

نوشته: یوسف کوربار*

ترجمه: احمد صادقی**

مسئله تغییرات جمعیتی و ایجاد ترکیب‌های جدید در فلسطین / اسرائیل موضوع مقاله است. نویسندگان با استفاده از آمارها بر این عقیده است که به تدریج جمعیت فلسطینی‌های ساکن اسرائیل و مناطق اشغالی نسبت به یهودیان افزایش می‌یابد. او با ارایه آمار و ارقام این برآوردهای جمعیتی را به نمایش می‌گذارد. مهاجرت و بازگشت فلسطینی‌ها، جمعیت در حال انبوه شدن فلسطین و تأثیر آن بر انتفاضه در مناطق اشغالی از جمله مسائلی است که در بحث عنوان می‌شوند. نویسندگان گمانه‌های مختلفی را برای افزایش جمعیت با توجه به نرخ رشد در نظر می‌گیرد و معتقد است که بر اساس نرخ رشد‌های مختلف در سالهای مورد نظر یعنی ۲۰۱۸، ۲۰۲۵، ۲۰۴۰ و ۲۰۵۰ جمعیت فلسطینی‌ها به تدریج اما استوار افزایش خواهد یافت و این خود فشاری را بر موقعیت اسرائیل وارد خواهد ساخت. از نظر نویسندگان افزایش جمعیت، تحولات سیاسی شیوه‌های رفتاری اقتصادی و سیاسی متفاوتی را پدید خواهد آورد و حتی بر چارچوب حکومتگران چپ و راست اسرائیل تأثیر خواهد گذارد. به همین دلیل دولتهای اسرائیل اعم از راست و یا چپ همواره تلاش دارند تا زاد و ولد فلسطینی‌ها موجب در اقلیت قرار گرفتن یهودیان نشود و همواره با جذب مهاجران جدید در صدد آن هستند با این پدیده که از نظر آنها می‌تواند مبارزه مردم فلسطین را تشدید کند، مقابله نمایند.

* مدیر پژوهش‌های مؤسسه ملی مطالعات جمعیتی فرانسه در پاریس

** دانشجوی دوره دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰، ص. ۲۲۶-۱۹۵.

این نوشتار در پی تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده از سرشماری سال ۱۹۹۷ در فلسطین به تحول احتمالی در بافت جمعیتی اسرائیل/فلسطین به عنوان یک کلیت و همچنین تحول در درون اسرائیل پیش از مرزهای سال ۱۹۶۷ با توجه به جمعیت یهودی و عرب در بخش یهودی نشین توجه نموده است. این کار بر پایه منشأ جغرافیایی یهودیان (اشکنازی و میزراهیم)^(۱) انجام شده است. در عین حال ملاحظاتی نیز در مورد پیامدهای سیاسی تغییرات بافت جمعیتی عنوان شده است.

با وجود این که انتخاب ایهود باراک رهبر حزب کارگر به نخست وزیری اسرائیل در انتخابات ماه مه ۱۹۹۹، به فرایند گفتگوهای اسرائیل و فلسطین شتاب بخشیده است، اما انتظارات دیرین در مورد آینده فلسطین، توجه به بافت جمعیت در اسرائیل و فلسطین را از اهمیت ویژه ای برخوردار می سازد. به نظر می رسد که با موافقتنامه اسلو در ۱۹۹۳ و ایجاد این باور که فلسطینی های ساکن بخش های اشغالی (شامل کرانه غربی، شرق بیت المقدس و نوار غزه) به زودی شهروندان دولتی از میان خودشان خواهند شد و دیگر زیر حاکمیت اسرائیل نخواهند ماند، موضوع تا حدودی فوریت خود را از دست داده است. در نتیجه آن دولت یهود از آن پس بدون دستیابی به همگنی جمعیتی، می بایست تنها فلسطینی های دارای تابعیت اسرائیل را که شمار آنها در سال ۱۹۹۹، به ۹۷۰ هزارتن یا نزدیک به ۱۷ درصد کل جمعیت بالغ می شد، تحت نظارت بگیرد.

اما با توجه به اتفاق نظر موجود در اسرائیل در مورد استمرار اشغال بخش های مهمی از کرانه غربی و نوار غزه، نامحتمل پنداشتن تشکیل یک «کشور» فلسطینی برخوردار از حاکمیت راستین، به نظر می رسد که فلسطینی های ساکن قلمروهای اشغالی و مناطق خودمختار (افزون بر چند میلیون فلسطینی های درون اسرائیل) تا آینده ای پیش بینی پذیر زیر حاکمیت غیر رسمی^(۲) اسرائیل باقی خواهند ماند. از دیدگاه قانونی نیز فلسطینی ها حق

1. Ashkenazi and Mizrahim
2. De Facto

بر خور داری از تابعیت اسرائیلی را نخواهند داشت مگر این که قلمروهای یاد شده (به اسرائیل) منضم گردند. همان گونه که در مورد فلسطینی های شرق بیت المقدس در سال ۱۹۶۷ و سوری های جولان در سال ۱۹۸۱ اتفاق افتاد و در عمل شمار ناچیزی از آنها توانستند تابعیت اسرائیلی به دست آورند. در آینده و همگام با تحولات در گفتگوها، امکان دارد که همین شیوه اخذ تابعیت در مورد فلسطینی های منطقه C نیز اعمال شود و شق ثانی می تواند این باشد که آنها برای همیشه شهروندان غیر تابع بمانند و گذرنامه کشور دیگر را اخذ نمایند. این وضعیت از سال ۱۹۶۷ عملاً حاکم بوده و در نتیجه بیشتر ساکنان کرانه غربی دارای گذرنامه های اردنی و بیشتر ساکنان غزه نیز بدون تابعیت^(۱) هستند. در هر حال، هر چند پیشگویی در مورد وضعیت قانونی ساکنان اسرائیل/فلسطین بسیار دشوار است اما در مورد تصویر آینده بافت جمعیتی آن بر پایه وضعیت جاری برخی گمانه پردازی ها امکان پذیر است.

سرشماری سال ۱۹۹۷: شمار فلسطینی ها بیشتر از برآورد

آمارهای اسرائیل که بر یافته های حاصل از سرشماری ها (آخرین آن در سال ۱۹۹۶)، از جمله زاد و ولد و مرگ و میر و مهاجرت تکیه دارد تصویر دقیقی از اسرائیل را در چارچوب مرزهای ۱۹۶۷ ارائه می نماید. اما آمارهای مربوط به سرزمین های اشغالی پس از سال ۱۹۶۷ به دلیل بهره گیری از روش برون یابی های قیاسی، کم اعتبارتر هستند. از این رو سرشماری سال ۱۹۹۷ فلسطین که نخستین بار پس از سرشماری سال ۱۹۶۷ اسرائیل در پی پیروزی ماه ژوئن صورت گرفت، سودمند بود و مورد توجه زیادی قرار گرفت.

این سرشماری فلسطینی ها طی بیست و چهار ساعت در روزهای ۹ و ۱۰ دسامبر ۱۹۹۷ به اجرا درآمد. کار شمارش نفوس در پی ماهها تدارک و آمادگی و با استفاده از مهارت های فنی ارائه شده توسط کشورهای بریتانیا، نروژ، سوییس، و صندوق سازمان ملل برای فعالیت های جمعیتی (UNFPA)^(۲) عملی شد. این آمادگی های مقدماتی

1. Stateless

2. United Nation Fund for Population Activities

اموری چون آموزش آمارگیران، روزآمد نمودن نقشه‌ها از راه تقسیم قلمرو به واحدهای قابل شمارش آماری و مشخص ساختن مرزها و تهیه نمودن پرسشنامه به هنگام پرسشگری از واحدهای مسکونی به منظور شمارش اعضای خانوار را دربرمی‌گرفت. این پرسشنامه‌های جامع در برگیرنده بخش‌هایی در مورد نحوه اسکان، نسبت هریک از اعضای خانوار با سرپرست خانواده، شماره کارت هویت، جنسیت، زادروز، سن، تابعیت اصلی، مذهب، محل اقامت مادر به هنگام زاده شدن فرد، اقامتگاه دائم، طول مدت اقامت در آنجا، اقامتگاه قبلی، دلیل جابجایی، وضعیت پناهندگی، معلولیت‌ها و دلایل آنها، سطح تحصیل، اشتغال، وضعیت تأهل، طول مدت تأهل، زایمان‌های سالم، بچه‌های زنده مانده، زایمان‌ها طی سال گذشته، خویشاوندان ساکن خارج از کشور و نظایر آن بود. سؤال‌ها ۱۵۴ عدد بود و پرسشنامه از طریق پست ارسال و جمع‌آوری می‌شد. نرخ افراد شمارش نشده (تفاوت بین جمعیت واقعی به دست آمده پس از سرشماری پستی و جمعیت شمارش شده در مرحله نخست) نیز بدون احتساب شرق بیت المقدس ۲٫۴ درصد برآورد گردید. بنابر اعلام مقام‌های اداره مرکزی آمار اسرائیل، انجام این سرشماری مطابق با استانداردهای بین‌المللی بود.^(۱)

مقام‌های اسرائیلی به دست‌اندرکاران حکومت خودگردان فلسطینی^(۲) امکان برگزاری سرشماری در شرق بیت المقدس را ندادند. از این رو فلسطینی‌های شهر قدس بر پایه سرشماری پیشین (۱۹۶۷) و فرضیات مبتنی بر رشد جمعیتی بعد از آن مورد ارزیابی قرار گرفتند.

برآوردهای اسرائیلی‌ها از شمارش فلسطینیان فقط با تکیه بر مبنای غیررسمی صورت گرفته بود، آمار سرشماری سال ۱۹۹۷ در کرانه غربی و نوار غزه برپایه تعریف رسمی بود. بنابراین همه افراد یعنی نه تنها ساکنان حاضر، بلکه کلیه کسانی را که موقتاً به مدت کمتر از یک سال در خارج اقامت داشتند و همچنین کسانی را که در خارج

۱- بر پایه مکاتبه شخصی Narwan Khawaja از قاهره در نوامبر ۱۹۹۸. Khawaja یک فلسطینی جمعیت‌شناس تحصیل کرده آمریکاست که هم‌اکنون برای FAFO در نروژ کار می‌کند.

2. Palestinian Authority

در حال تحصیل بودند، در برمی گرفت. آن دسته از ساکنانی که بیش از مدت یک سال در خارج بودند براساس اعلام خانواده هایشان تخمین زده می شدند، این تعداد در تمام فلسطین در مجموعه ۳۲۵۲۵۸ نفر برآورده شدند.

پیش از تصحیح اشتباهات ناشی از کم شماری آماری و استفاده از برآوردها برای شمارش اهالی شرق بیت المقدس، شمار ساکنان فلسطینی به ۲۸۰۷۰۰۰ یا ۵۶٫۹ درصد در کرانه غربی؛ بیش از ۱ میلیون یا ۳۵٫۶ درصد در نوار غزه؛ و نزدیک به ۲۱۰۲۰۰ نفر یا ۷٫۵ درصد در شرق بیت المقدس رسیده بود. شمار شهرنشینان (۵۷٫۶ درصد) هم نسبت به جمعیت روستائین (۲۷٫۸ درصد) و هم پناهندگان فلسطینی (۱۴٫۷ درصد) که سه چهارم آنها در نوار غزه متمرکز هستند، بیشتر بود. با وجود شمار بالای مهاجرت مردان به عنوان نیروهای کار فلسطینی، نسبت توزیع جمعیت براساس جنس آنها تقریباً ثابت مانده است ۱۰۳٫۲ مرد در برابر ۱۰۰ زن که از این نظر تفاوت اساسی بین نوار غزه و کرانه غربی وجود نداشته است. میانگین پرشمارترین خانوارها - ۶٫۴ (۶٫۹ در غزه و ۶٫۱ در کرانه غربی) - نشانگر باروری منحصر به فرد در فلسطین طی پانزده سال گذشته و همچنین شیوه سنتی اعراب در ادامه زندگی فرزندان مجرد با والدینشان بوده است.

یک نکته جالب تر ناشی از هم سنجی این سرشماری، برآوردهایی است که پیش از آن اسرائیلی ها به عمل آورده بودند. ستون نخست جدول شماره ۱ رقم های خام و ستون دوم ارقام تعدیل شده (به جز در مورد شرق بیت المقدس) با استفاده از تصحیح پس از سرشماری با نرخ های ۲٫۴ درصد را نشان می دهد. داده های ارائه شده در ستون سوم برپایه برون یابی های قیاسی به عمل آمده از سوی اداره مرکزی آمار اسرائیل تا پیش از دسامبر ۱۹۹۷ می باشد.

حتی بدون در نظر گرفتن ۲٫۴ درصد تصحیح به عمل آمده - که آشکارا نشان دهنده اختلاف اساسی بین شیوه قانونی - دائمی (فلسطینی ها) و روش وضع موجود (اسرائیلی ها) می باشد - یک تفاوت کمینه (حداقل) نزدیک به نیم میلیون نفر: ۴۸۴۰۰۰ یا حدود ۲۱ درصد فلسطینی، بیش از آمارهای ارائه شده اسرائیلی ها، مشاهده می شود. بیشترین اندازه این اختلاف در کرانه غربی با ۲۸٫۵ درصد (۱۲ درصد در شرق بیت المقدس و نوار غزه) می باشد.

حتی پیش از سرشماری فلسطینی ها، این گمان وجود داشت که برآورد منابع اسرائیلی در مورد شمار فلسطینی ها پایین تر از اندازه واقعی آن باشد. در عین حال نرخ زاد و ولد در کرانه غربی و غزه در منابع آماری اسرائیل در حد باورنکردنی: ۵۶ مورد تولد در هر هزار نفر در غزه در سال ۱۹۹۱، و ۴۷ در هزار در کرانه غربی، بالا بودند. توجه این اختلاف محاسبات این است که در کنار ثبت صحیح تولدها در اداره ثبت کشور، مخرج مشترک اولیه جمعیت به خودی خود برپایه سرشماری ۱۹۶۷ کم تخمین زده شده بود. از آن زمان به بعد برآوردهای سالانه جمعیت با افزودن شمار ولادت ها و کاستن مرگ و میرها و افزودن یا کاستن شمار ورود و خروج ها محاسبه و اعلام می شد. در صورت در نظر نگرفتن هرگونه اشتباهی در ثبت آمار ورود و خروج ها، و مرگ و میرها طی سی سال گذشته، یک کم شماری ۱۰۰ هزار نفری در سرشماری سال ۱۹۶۷ می تواند این اختلاف اساسی را توجیه نماید. هرچند چنین اشتباه آماری به اندازه ۱۰ درصد جمعیت در آن زمان ممکن است بیش از اندازه به نظر آید اما با توجه به شرایط آن زمان بیرون از قاعده نخواهد بود. زیرا در آن زمان سرشماری در مورد جمعیتی شکست خورده، بلافاصله و در پی یک پیروزی صورت می گرفت و چه بسا ساکنانی نیز سعی کرده باشند از دایره ثبت اشغال گران بیرون بمانند. همچنین نفوذ پنهانی فلسطینی های «آواره شده» پس از جنگ ۱۹۶۷، به مانند خروج دستجمعی سال ۱۹۴۸، از راه اردن و جاهای دیگر که بدون گذر از ایستگاه های مرزی رسمی وارد سرزمین های اشغالی شدند نیز این کاستی آماری را توجیه می نماید. فراتر از اشتباه های آماری اولیه، اثرات افزایش بی دقتی برآوردهای مربوط به مرگ و میر را نیز می توان در نظر گرفت که هرچند در یک سال ناچیز است، اما طی سی سال رقم چشمگیری خواهد شد.

در هر حال، همزمان با برگزاری جشن پنجاهمین سال پایه گذاری اسرائیل، شمار فلسطینی های زیر نظارت اما بدون تابعیت اسرائیل نزدیک به ۳ میلیون (۲۹۲۰۰۰۰) نفر بود.^۱ در نتیجه در درون ۲۴ هزار کیلومتر مربع مساحت فلسطین دوره قیمومت،^(۱) ۳۸۶۵۰۰۰ فلسطینی (در برگیرنده اعراب اسرائیل) و ۴۷۶۰۰۰۰ نفر یهودی

1. Mandatoy Palestine

(از جمله دربرگیرنده ۱۵۰ هزار تن ساکنان کرانه غربی، ۱۷۰ هزار نفر ساکنان شرق بیت المقدس، و ۶۰۰ نفر در غزه) بوده اند. اینها به ترتیب ۴۵ درصد و ۵۵ درصد جمعیت را تشکیل می دهند.^۲ این ارقام از برآوردهای جمعیتی شیمون پرز که ۴ میلیون عرب و ۴/۷ میلیون یهودی را در نظر می گرفت، چندان دور نیست.^۳ پرز اهمیت ژئوپلیتیکی لازم را به این ارقام داده است، اما احتمال فراتر این است که این توازن شکننده دستخوش تغییرات بنیادین خواهد شد.

زمینه ها و طرح های آینده

شیمون پرز پایه گذار توافق اسلو، در ابعاد نظری یک «خاورمیانه نوین»، آینده بافت جمعیتی را چگونه ارزیابی می کند؟ «طی بیست سال آینده، جمعیت این سرزمین {فلسطین و اسرائیل} با دو برابر افزایش به ۲۰ میلیون نفر خواهد رسید، که نیمی از آن عرب و نیم دیگر یهودی خواهند بود.» از چنین دیدگاهی در مورد بافت جمعیت می توان این باور سیاسی را نتیجه گرفت که: «برای این که چه از نظر مفهومی و چه از نظر بافت جمعیتی بتوان یک دولت یهودی را متصور بود، اسرائیل نیازمند به وجود آمدن یک دولت فلسطینی است.»^۴

با نگاهی موشکافانه به پنداشت های جمعیت شناسانه پرز، می توان دریافت که آمارهای اسرائیل، با وجود پراگویی در مورد گذشته و حال، در مورد آینده به نحو غریبی خاموش است. این سکوت با گذشت زمان افزایش داشته است.^۵ در حالی که در دهه ۱۹۷۰ افق پیش بینی ها تا سی و پنج سال آینده افزایش یافت،^۶ در دهه ۱۹۸۰ پیش بینی های اداره آمار در مورد اسرائیل (با به حساب آوردن مرزهای ۱۹۶۷، و شرق بیت المقدس و جولان)،^۷ به بیست و پنج سال و در مورد قلمروهای اشغالی به پانزده سال کاهش یافت.^۸ به تازگی، کنکاش در مورد آینده به مراتب کاهش بیشتری یافته است: کتاب سال آماری ۱۹۸۹ پیش بینی های جمعیتی در مورد یهودیان و غیر یهودیان (مسلمانان، مسیحیان، دروزی ها و دیگران) را تا سال ۲۰۱۰ پیش برده بود، در حالی که کتاب های سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ فراتر از سال ۲۰۰۵ نرفته و کتاب سال ۱۹۹۵ تنها به سال ۲۰۰۳ متوقف می شود.^۹ تازه ترین

کتاب‌های سال که به ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ مربوط می‌شود، به کل آینده‌نگری‌ها را کنار گذاشته‌اند.

در راه جبران این شکاف و نگاهی روشن به آینده، ما افق پیش‌بینی برای اسرائیل را توسعه داده و از پنداشته‌های مربوط به پیش‌بینی‌های اسرائیلی‌ها بهره می‌گیریم. از سوی دیگر در مورد پیش‌بینی‌های مربوط به فلسطین بهتر است این کار از مرحله ابتدایی آغاز شود زیرا تاکنون انجام این کار بسیار غرض‌ورزانه صورت گرفته است.^{۱۰}

جنگ گهواره‌ها

هرچند مهاجرت در تاریخ فلسطین/اسرائیل نقشی تغییرساز و راهبردی ایفا نموده است، اما سرنوشت جمعیت یهودیان و فلسطینی‌ها چه اکنون و چه تا آینده‌ای پیش‌بینی‌پذیر از تصمیم‌هایی رقم خواهد خورد که در درون خانواده‌ها و بر سر داشتن یا نداشتن فرزند و پیش‌انداختن یا تأخیر در ولادت‌ها اتخاذ می‌گردند. هرچند در این مسئله نمی‌توان قائل به قطعیت بود اما دست کم می‌شود حوزه امکان‌پذیری را محدود نمود. در این راه دو شیوه اقدام برپایه پنداشت‌های گوناگون مربوط به نرخ زاد و ولد ارایه می‌شود. با توجه به این که نرخ مرگ و میر و امید به زندگی برای پیش‌بینی جمعیت مورد نیاز است، مهم است که یادآوری شود با وجود ظواهر امر، نرخ مرگ و میر در اسرائیل/فلسطین، جز در مورد جمعیت یهودی، دقیقاً روشن نیست. در جای دیگر نرخ مرگ و میر فقط تا سن پنج سالگی روشن بوده و بالاتر از آن مشخص نشده است. در زیر جدول امید به زندگی که بر پایه آن دو پیش‌بینی جمعیتی مورد بحث قرار گرفته، آورده می‌شود:

۱۹۹۵-۲۰۰۰	مرد	زن	۲۰۲۰-۲۰۲۵	مرد	زن
اسرائیل (کل جمعیت)	۷۶٫۰	۸۰٫۰		۷۸٫۰	۸۲٫۰
اسرائیل (جمعیت اعراب)	۷۵٫۰	۷۷٫۵	۷۸٫۰	۸۰٫۰	
فلسطین	۶۸٫۰	۷۱٫۰	۷۴٫۰	۷۷٫۰	

گمانه نخست در راستای پنداشت های رسمی اسرائیلی ها کاهشی تدریجی با افتی برابر با ۲/۸ تا ۲/۱ (یعنی میانگین سطح جایگزینی متعارف و برابر با دوفرزند برای جانشین والدین خودشدن و با احتساب ۰/۱ برای مرگ و میر) را در باروری یهودی ها تا سال ۲۰۲۵ مفروض داشته و همزمان کاهش سریع تری را از ۴/۱۴ در سال ۱۹۹۵ به ۲/۳ در سال ۲۰۲۵ در نرخ باروری اعراب ساکن اسرائیل در نظر می گیرد. به این ترتیب که نرخ باروری اعراب و یهودیان اسرائیل تقریباً همگرایی یافته و اختلاف بین آنها در پایان این مقطع زمانی تنها ۱۰ درصد خواهد بود.^{۱۱} فلسطین به سوی یک دست شدن پیش خواهد رفت اما نرخ رشد باروری بالاتری (۲/۹ درصد در سال ۲۰۲۵) برای فلسطینی های اسرائیل وجود خواهد داشت.

گمانه دوم، که در ادامه رئوس آن آورده می شود، هرچند به خلاف انتظارات مجازی موجود جهان است اما در عین حال با زمینه های بومی همسوتر به نظر می رسد. این راه کار با فرض برقراری ثبات در نرخ زاد و ولد اسرائیلی ها و کاهش تدریجی فلسطینی ها ارائه می شود. در اسرائیل به طور ویژه، پایداری شدیدی در برابر پایین آوردن نرخ ها در دو گروه جمعیتی وجود دارد: در بین یهودیان، نرخ زاد و ولد در آغاز دهه ۱۹۸۰ به ۲/۸ رسید که برای مردمی با الگوهای غرب مدار و رسماً در شمار کشورهای توسعه یافته، سطح نسبتاً بالایی بود.^{۱۲} در سال ۱۹۹۶، زاد و ولد در میان یهودیان به ۲/۵۸ فرزند در هر زن (بیشتر از ترکیه و تونس) رسید، که به معنی کاهش سالانه ای تنها برابر ۰/۵ درصد از سطح سال های دهه ۱۹۸۰ بود. این ثبات چشمگیر از سرشت ناهمگن جمعیت یهودی اسرائیل ناشی می شود. نرخ رشد بالای زاد و ولد (۳/۱۴ درصد در سال ۱۹۹۶، ۳/۰۹ در سال ۱۹۸۰) در میان یهودیان نژاد شرقی که نیمی از جمعیت اسرائیل را تشکیل می دهند، سطح به نسبت پایین باروری در یهودیان اروپایی (۲/۱ در سال ۱۹۹۶) و حتی نرخ پایین تر در یهودیان شوروی سابق (۱/۶۹) را جبران می کند. اما روی هم رفته جمعیت یهودی اسرائیل بسیار پرزاد و ولد می باشد: در حالی که سطح زندگی و آموزش آنها با اروپا برابری می نماید، به جای استاندارد دوفرزند در غرب، آنها مایلند که سه فرزند داشته باشند. دلایل چندی برای

این موضوع وجود دارد. افزون بر احساس گونه‌ای بیمه شدن در برابر از دست دادن یک فرزند در شرایط منازعه،^{۱۳} بر روی زنان یهودی قطع نظر از سطح تحصیلات آنها فشار وجود دارد که در آنچه که «جنگ گهواره‌ها»^{۱۴} خوانده می‌شود، با زنان فلسطینی به رقابت برخیزند. جنگ طلبی صهیونیستی چه به صورت مذهبی و یا غیر مذهبی بر پایه‌ای سیاسی، نیز به بالا بردن باروری کمک می‌کند.^{۱۵}

در مورد فلسطینی‌های اسرائیل مدت زمانی باروری با شدت رو به کاهش گذارد: از رقم بیش از ۹ فرزند در دهه ۱۹۶۰ به ۴٫۷ در سال ۱۹۸۷ رسید. اما این نرخ از آن زمان تاکنون ثابت مانده است،^{۱۶} و به موجب آن موقعیت خود را به عنوان اقلیت مستحکم نموده‌اند. آنها این را مدیون نرخ رشد طبیعی خود هستند که حدود سه برابر نرخ رشد در اکثریت یهودی است. در شهر جلیله که شمار فلسطینی‌های اسرائیل فشرده‌تر است حتی ضرب‌المثلی رایج است که «شمار نوزادان پایه گفتگو در مورد مرزها است».^{۱۷}

در خاتمه گفتنی است که در فلسطین استمرار نرخ بالای باروری عاملی مساعد برای انتفاضه دهه ۱۹۸۰ و آغاز دهه ۱۹۹۰ بوده است زیرا با وجود تبلیغ بسیار در مورد صلح، کسی از آن بهره‌مند نشده است. در کشورهای در حال توسعه عموماً به دلایلی چون شیوه‌های ناکارآمد پیشگیری از بارداری، یا ایستادگی‌های اجتماعی و خانوادگی در برابر استفاده از وسایل پیشگیری، نرخ رشد ترجیحی آنها تا اندازه زیادی پایین‌تر از نرخ رشد عملی آنها است. اما در کرانه غربی (به جز شرق بیت المقدس) و نوار غزه نرخ باروری ترجیحی (۵٫۵۶)^{۱۸} تنها ۰٫۶۷ درصد^{۱۹} کمتر از نرخ باروری عملی (۶٫۲۳ در سال‌های ۹۵-۱۹۹۴) است. سناریوی دوم با فرض کاهش بسیار جزیی در نرخ باروری در نظر گرفته شده است.

نقش حاشیه‌ای مهاجرت

آنچه تاکنون گفته شد جایگاه مهاجرت بین‌المللی را نسبتاً کم اهمیت‌تر می‌نماید. این موضوع شگفت‌آور به نظر می‌رسد زیرا نابودی یک کشور و ایجاد کشوری دیگر اساساً برپایه جنبش‌های مهاجرتی و ورود روز افزون انبوه یهودیان در طول بیش از نیم سده و آوارگی

دستجمعی بیش از نیمی از جمعیت فلسطین در سال ۱۹۴۸، بنانهاده شد. اما هم‌اکنون برآوردهای اسرائیلی‌ها حاکی است که متوسط مهاجرت سالانه یهودیان بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ تنها ۱۸۰۰۰ نفر پیش‌بینی شده است و به دنبال آن در سال ۲۰۰۰ جریانی معکوس را طی خواهد کرد و سالانه به ۲ هزار تن خواهد رسید.^{۲۰} در مورد فلسطین که در گذشته ناسازگارترین فرضیه‌ها^{۲۱} در مورد آن عرضه شده است، بر پایه دو فرضیه مطرح، اندازه مهاجرت‌ها صفر در نظر گرفته شده است: ۱) یکی این که جمعیت پیشاپیش انبوه شده فلسطین (عطف به سرشماری سال ۱۹۹۷)، و فقر و نرخ رشد سالانه بالای جمعیت مانع از «بازگشت» چشمگیر جمعیت پراکنده آنها خواهد شد؛ و ۲) فلسطینی‌هایی نیز که قصد مهاجرت از این سرزمین را داشته باشند، راه‌گزینی نخواهند داشت زیرا نه تنها کشورهای میزبان سنتی (سوریه، لبنان، حتی اردن) بر روی مهاجرت‌های تازه بسته هستند، بلکه آن دسته از کشورهای (عربستان سعودی، امارات حاشیه خلیج فارس، لیبی و غیره) که در گذشته نیز جویای کارگران ماهر فلسطینی بودند، اینک یا با بحران اقتصادی روبرو هستند و یا استخدام نیروی کار در آنها با «الگوهای ملی» (عموماً با مزیت آسیایی‌ها) صورت می‌گیرد.

موازنه‌های رو به تغییر

هر اندازه که دیدگاه‌های ژئوپولیتیک‌پرز درست باشد، پیش‌بینی‌های جمعیتی وی نادرست هستند. رقم‌ارایه شده ۲۰ میلیونی وی برای ساکنان اسرائیل/فلسطین در سال ۲۰۱۸، که با فرض افزایش ۲٫۳ و با میانگین نرخ رشد سالانه ۴۳ نفر در هر هزار در نظر گرفته شده، تا سال ۲۰۱۸ یا حتی ۲۰۲۵ نیز دست‌یافتنی نخواهد بود. حتی با حداکثر نرخ رشد ناشی از باروری بالا در گمانه دوم، شمار جمعیت «تنها» به ۱۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ و ۱۴٫۸ میلیون در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید؛ با فرض همین اندازه رشد، نزدیک‌ترین زمان ممکن برای رسیدن به شمار ۲۰ میلیون نفر، تنها در سال‌های بین ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰ متصور خواهد بود.

با این حال واقعیت‌های ژئوپولیتیکی چندی نیز وجود دارند که بدیهی می‌باشند. یکی

این که اسرائیل، متشکل از یهودیان و فلسطینی ها، از فلسطین پرجمعیت تر خواهد ماند. واقعیت دوم که اولی را تعدیل می کند این است که فلسطینی ها (خودمختار، زیر اشغال، در قلمروهای ضمیمه شده و همچنین در اسرائیل) آنگونه که پرز عنوان می کند، صرفاً با اختلاف جزئی بیشتر نخواهند بود، بلکه تا سال ۲۰۲۵ (بسته به این که گمانه نخست یا دومی در نظر گرفته شود)، ۵۶ تا ۵۸ درصد جمعیت را دربر گرفته و شمار آنها به گونه ای اساسی افزون تر خواهد بود. در صحنه عمل افزون تر شدن شمار کمی فلسطینی ها در زمانی حدود سال ۲۰۱۰ (با توجه به جدول شماره ۳) بروز خواهد نمود.

به نظر پرز تنها اندکی کمتر از نصف ۲۰ میلیون نفر جمعیت مورد پیش بینی وی برای سال ۲۰۱۸، رقمی کمتر از ۱۰ میلیون نفر، یهودی خواهند بود. بین رقم ارایه شده پرز و ۵٫۸ تا ۶ میلیون نفر یهودی احتمالی پیش بینی شده تا آن زمان تفاوت بین ۴ تا ۴٫۲ میلیون نفر خواهد بود، که تنها از راه مهاجرت بسیار زیاد به منظور جبران محدودیت های موجود در رشد طبیعی جمعیت، دست یافتنی خواهد بود. برای رسیدن به چنین رقمی می بایست جمعیت یهودیان سالانه ۳۸ در هر هزار افزایش یابد، که سه چهارم سهم این رشد را مهاجرت به عهده خواهد داشت. چنانچه ذخیره مهاجرتی یهودیان پراکنده را ۱ تا ۲ میلیون تن^{۲۳} برآورد نماییم، این رقم دور از واقع نگری است و تنها یک چهارم تا نیمی از شمار مورد نیاز برای رسیدن به رقم ۱۰ میلیون نفر را تأمین خواهد نمود.

راه دیگر نگرش آینده، بررسی وزن نسبی هر یک از دو گروه جمعیتی و نه شمار مطلق آنها است: برقرار نگاه داشتن تعادل جمعیتی بین یهودیان و فلسطینی ها تا سال ۲۰۱۸ مستلزم ۸۰۰ هزار تا ۱٫۳ میلیون یهودی بیشتر از اندازه نرخ رشد سالانه پیش بینی شده آنهاست. خالص مهاجرت ۸۰۰ هزار یهودی به اسرائیل طی بیست سال، یا ۴۰ هزار تن در هر سال به طور نظری امکان پذیر خواهد بود زیرا نزدیک به ۸۴۲ هزار تن بین سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ به اسرائیل وارد شده اند یا وضعیت خود را از گردشگر به مهاجر تغییر داده اند.^{۲۴} با این وجود شکاف بزرگی بین شمار ورود مهاجران بالقوه و استقرار بلند مدت آنها در کشور وجود دارد (جدول شماره ۲).

جنبه دیگری که بایستی مورد نظر قرار گیرد «یهودی گری» مهاجران است. با سررسیدن شمار انبوه یهودیان از شوروی سابق از سال ۱۹۹۰، قانون بازگشت^{۲۵} به طور غیررسمی توسعه یافت تا همسران غیریهودی مهاجران یهود را در برگیرد. در نتیجه نسبت یهودیان در میان مهاجران از ۹۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۷۵ درصد در سال ۱۹۹۷ رسید، یعنی از ۸۴۳ هزار تن مهاجران بالقوه ای که تا سال ۱۹۹۶ وارد شده بودند، ۷۱۶ هزار تن آنها یهودی بودند. حضور غیر یهودیان در میان مهاجران شوروی توجیه کننده خیزش ناگهانی اجتماعات مسیحی در اسرائیل طی دهه گذشته است: تا پیش از سال ۱۹۹۰ شمار آنان ۱۰۷ هزار تن بود که افزایش سالانه ای برابر با ۲ هزار نفر داشتند. از آن زمان تاکنون رقم افزایش آنها با ده برابر افزایش به ۱۸۳ هزار نفر تا پایان سال ۱۹۹۶ رسیده است. حتی در مورد مهاجران خودخوانده یهودی شوروی پیشین، راهیابی شمار کسانی که با گواهی های تقلبی «یهودیت» خود وارد شده اند، ثبت نشده است و در عین حال رقم چنین افرادی بین ۱۰ تا ۵۰ درصد را تشکیل می دهد.^{۲۶} اما قطع نظر از مرام مذهبی واقعی این مهاجران، آنان هویت ویژه روسی خود را دارا هستند.

وانگهی آمارهای جاری اسرائیل با یکسال تاخیر، شمار موجود مهاجران و اندازه اتلاف آنها را در سال پس از مهاجرت ردگیری می کند. در سال ۱۹۹۰ نزدیک به ۷٫۳ درصد از مهاجران یهودی یا به میهن خود بازگشتند و یا در مسیر خود به ایالات متحده آمریکا، کانادا، اروپا و جاهای دیگر رفتند؛ تا سال ۱۹۹۶ شمار این گونه کسان به ۳۸٫۵ درصد رسیده بود. در یک دوره زمانی هفت ساله نزدیک به ۵۷۵ هزار تن از مهاجران یهودی، دست کم در کوتاه مدت در اسرائیل اسکان یافتند که این اندازه، دو سوم رقم ۸۴۳ هزار مهاجر بالقوه را تشکیل می داد. در مورد دستاورد بلند مدت موج مهاجرت های تازه، داده های اطمینان بخشی وجود ندارد، اما آمارهای قبل از ۱۹۹۰ نشان می دهد که از ۴۲۷ هزار نفری که بین سال های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۹، به اسرائیل مهاجرت نمودند تا ۲۰۶ هزار تن برابر با کمتر از نیمی از آنها یعنی حدود ۴۸ درصد،^{۲۸} اقامت گزیده اند.

به تازگی گروه تازه ای از مهاجران شامل کارگرانی از کشورهای جهان سوم چون

کلمبیا، غنا، هند، نیجریه، فیلیپین، رومانی و سیرالئون از راه رسیده اند تا وابستگی اسرائیل به نیروی کار فلسطینی را کاهش دهند. تصور می رود که این «کارگران مهمان» - که بیش از ۱۰۰ هزار نفر از آنها قانونی و شمار ناشناخته ای نیز (تا حدود ۱۵۰ هزار نفر)^{۲۹} غیر قانونی هستند - مسیر کسانی را طی می کنند که در دوره توسعه سریع اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم به اروپا آمدند. اینان که خانواده های خود را نیز همراه آورده اند، اینک در پایان قراردادشان فرزندی دارند که به عبری سخن می گویند و در نهایت تقاضای تابعیت و مزایای حقوقی و قانونی خواهند نمود. گستره این پدیده هر اندازه که باشد، نتیجه این است که مهاجرت های صرفاً یهودی که قرار بود جمعیت اسرائیل را همگن نماید، دست نیافتنی خواهد شد.

بافت جمعیت و ساختار دولت یهود

جدول شماره ۳ در برگرفته پیش بینی های مربوط به موازنه جمعیتی آینده در کلیت اسرائیل / فلسطین است که برپایه دو گمانه پیش گفته استوار می باشد.

نامحتمل انگاشتن یک کشور دولتی

در چارچوب کلیت اسرائیل / فلسطین، از جدول شماره ۳ آشکارا چنین برمی آید که باوجود سهم عمده مهاجرت یهودیان، جمعیت فلسطینی ها تا سال ۲۰۰۸ براساس گمانه شماره ۲ و تا سال ۲۰۱۰ بر پایه گمانه نخست بیشتر خواهد شد.^{۳۰} از این رو پرز در دیدگاه های خود نیاز به دو دولت جداگانه را مورد تأکید قرار می دهد تا امکان حفظ جوهره صهیونیستی مورد نظر بنیانگذاران برای دستیابی به یک دولت یهودی برای یهودیان را به اسرائیل بدهد.

تصور ادغام دو مردم در یک کشور یگانه که برای آنان حقوق شهروندی یکسانی را به همراه داشته باشد، دشوار است.^{۳۱} به فرض برقراری یک دمکراسی تام در حوزه سرزمینی فلسطین دوره قیمومت، هر اندازه نرخ رشد جمعیت فلسطینی ها بیشتر باشد، به

فزونی گرفتن شمار آنها طی ده تا پانزده سال می انجامد و چند سال پس از آن نیز شمار واجدان حق رأی در میان آنها بیشتر خواهد شد. امکان دیگر این است که جمعیت اقلیت (یهودی ها)، با بیگانه و محروم از حقوق سیاسی دانستن اکثریت فلسطینی، همچنان بر آنان حکم راند. هر چند در مقایسه بین وضعیت های گوناگون بایستی محتاط بود، اما مواردی چون کوزوو، ایرلند شمالی، و افریقای جنوبی نشان می دهد که در جوامع برخوردار از بافت ترکیبی-ملی، قومی، زبانی یا مذهبی- ناهمخوانی بین واقعیت های جمعیتی و حاکمیت سیاسی به طور نامحدود استمرار نخواهد یافت.

یهودیان و فلسطینی ها در چارچوب مرزهای پیش از ۱۹۶۷

با توجه به نکات گفته شده، روشن است که تفاضل جمعیتی در چارچوب مرزهای پیش از ۱۹۶۷ تهدید کمتری را برای اسرائیلی ها موجب می شود. در درون اسرائیل به طور ویژه، تا سال ۲۰۲۵ شمار فلسطینی ها به ۱,۷ تا ۲ میلیون نفر یا بین ۲۱ تا ۲۵ درصد جمعیت خواهد رسید؛ به عبارت دیگر در میان شهروندان اسرائیلی در کنار هر سه نفر یهودی یک تن فلسطینی خواهد بود. افزایش جمعیت فلسطینی ها با آهنگ رشدی سه برابر یهودیان و به مدد تمرکز جمعیت آنها در شمال و جنوب اسرائیل خواهد بود. به جدول شماره ۴ مراجعه شود.

بیشترین جمعیت فلسطینی اسرائیل در شمال در هفت بخش از ناتانیا (۲۰ کیلومتری تل آویو) تا مرزهای لبنان که ۵۱۰۰ کیلومتر مربع را دربر می گیرد، متمرکز هستند و نزدیک به ۳۶ درصد از کل جمعیت (۶۳ درصد در Acre و ۵۱ درصد در Nazareth) را به خود اختصاص می دهند. با در نظر گرفتن رشدی معقول و برخاسته از هر دو گمانه گفته شده (و طبیعتاً مانع شدن از جابجایی اجباری)، فلسطینی های این بخش ها تا سال ۲۰۲۵ به مرز اکثریت ۴۶ درصد نزدیک شده و تا آغاز نخستین سده تأسیس اسرائیل در سال ۲۰۴۸ به اکثریت (۵۰,۵ درصد) خواهند رسید. در جنوب در منطقه ۱۲۸۰۰ کیلومتر مربعی Negev، شمار فلسطینی ها به همین ترتیب با افزایشی شتابان از ۲۴ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۳۹ درصد در سال ۲۰۲۵ خواهند رسید.

در کنار در نظر گرفتن ساختارهای دموکراتیک^{۳۲} اما تبعیض آمیز، استمرار شیوه انتخاباتی نمایندگی به نسبت جمعیت، و رشد سریع جمعیت در مناطق جغرافیایی متمرکز که به افزایش شمار رأی دهندگان فلسطینی می انجامد، و افزایش ویژگی های «قومی» رای گیری در اسرائیل، وزنه سیاسی فلسطینی ها را افزایش خواهد داد. در واقع، احزاب سیاسی بیشتر و بیشتر به این سو گرایش می یابند که نماینده گروه های ویژه جمعیتی یهودی یا عرب باشند. در انتخابات سال ۱۹۹۹ کنه ست، فلسطینی ها سیزده کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی را به دست آوردند، که نه تن از آنان در فهرست اعراب (فهرست متحد عرب، Hadash, Bakad) و چهار نفر دیگر در فهرست های صهیونیستی (دو تن در حزب کارگر، یکی در حزب لیکود و دیگری در حزب Meretz) قرار داشتند. در این دور، نسبت به سال ۱۹۹۶ تعداد افزایش جزئی داشت، یعنی از یازده فلسطینی،^{۳۳} هشت نفر آنها در فهرست های اعراب (کمونیست های حزب دموکراتیک عرب) و سه تن در فهرست های صهیونیستی (دو تا در حزب کارگر، و یکی در حزب Meretz) انتخاب شدند. این رقم در مقایسه با سال ۱۹۹۲ ترقی چشمگیری داشت. در آن هنگام تنها هفت نماینده عرب (چهار نفر در فهرست احزاب عرب و سه تن در فهرست احزاب صهیونیستی) انتخاب شده بودند. با این وجود فلسطینی ها بر پایه سهم جمعیتی شان می بایست بتوانند شانزده نماینده برگزینند.^{۳۴} در سال ۲۰۲۵، آمیزه ای از عوامل جمعیتی (۱۹٫۵ درصد رای دهندگان اسرائیل) و افزایش احتمالی گرایش به رای دادن در چارچوب های قومی، بایست به انتخاب بیست و سه نماینده فلسطینی در میان ۱۲۰ نمایندگان این مجلس منتهی شود. افزون بر این، تمرکز منطقه ای جمعیت اقلیت فلسطینی به انتخاب نمایندگان فلسطینی در هیأت های بومی نیز خواهد انجامید.^{۳۵}

اما رشد شمار فلسطینی در اسرائیل تیغی دولبه است: می تواند کسانی را که خواهان جابجایی اجباری فلسطینی ها هستند، تحریک کند، و این تهدیدی است که هیچگاه سایه اش از روی سر فلسطینی هایی که پس از سال ۱۹۴۸ در اسرائیل مانده اند، دور نشده است.^{۳۶} در عین حال تجمع حساس یک میلیون فلسطینی در اسرائیل بازدارنده ای عمده در برابر

جابجایی گسترده جمعیتی تلقی می شود که پس از سالهای ۴۹-۱۹۴۸ با وجود تنش های بزرگ منطقه ای و رخداد سه جنگ تحقق عملی نیافته است.

اشکنازی و میزراهیم

یک عامل دیگر شکاف، به تقسیم بندی در درون جمعیت یهودی مربوط است. بنیادگذاری اسرائیل به وسیله یهودیان اروپایی اساساً در پی موجی از مهاجرت های منحصرأ اروپایی صورت گرفت و تنها مشت ناچیزی از مهاجران آسیایی و آفریقایی شامل یهودیان یمنی دوره عثمانی در آن مشارکت داشتند. در نخستین روزهای این دولت، مهاجرت یهودیان از کشورهای عربی و اسلامی و تمایل آنها به داشتن فرزندان بیشتر به اکثریت یافتن قوم یهودی میز راهی ها در میان جمعیت یهودیان انجامید. این اکثریت در پی موج مهاجرت های چند ساله گذشته از شوروی پیشین از دست رفت (با توجه به جدول شماره ۵). نرخ باروری در گروه های گوناگون - با توجه به فروکش نمودن موج مهاجرت ها به اسرائیل در مورد چگونگی توزیع جمعیت یهودی مهم و سرنوشت ساز خواهد بود - در جدول شماره ۶ آورده شده است.

تا اندازه ای با احتیاط می توان گفت که تحولات سیاسی در میان جمعیت یهودی با تغییرات جمعیتی آنان بی ارتباط نیست. به طور ویژه احزاب سیاسی قومی در نتیجه دگرگونی ترکیب جمعیت ناشی از مهاجرت، و به دلیل شیوه های رفتاری متفاوت در زاد و ولد، تفوق احزاب بنیانگذار صهیونیستی را که عمدتاً رنگ پذیری «قومی» نهفته دارند، به چالش گرفته اند (با توجه به جدول شماره ۷). حزب هایی که رسماً «قومی» بوده و بیانگر دیدگاه های میزراهیم می باشند، به این ترتیب هستند: حزب های شاس (دارای چهار کرسی کنه ست در سال ۱۹۸۴، شش کرسی در سال های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۲، ده کرسی در سال ۱۹۹۶، و هفده کرسی در سال ۱۹۹۹)، Yisrael Ba Aliya حزب متعلق به ناتان شرانسکی (هفت کرسی در سال ۱۹۹۶ و شش کرسی در سال ۱۹۹۹)؛ و در سال ۱۹۹۹ یک حزب تازه «روسی» به نام Yisrael Beitenu، که توانست دو کرسی برای مهاجران شوروی پیشین به دست آورد.

سربرآوردن لیکود از سال ۱۹۷۷ (بین سال های ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۹ لیکود چه به تنهایی چه با ائتلاف، تصدی دولت را طی ۱۸ سال در اختیار داشت) به همین نسبت پیوندی از پدیده های سیاسی و جمعیتی است. همانگونه که حزب کارگر و Meretz به جذب رأی دهندگان اشکنازی گرایش داشته اند، حزب لیکود رباینده حوزه های انتخابیه میزراهی بوده،^{۳۸} و افزایش جمعیت میزراهی ها از ۴۳ درصد در دهه ۱۹۶۰ به ۵۲ درصد در سال ۱۹۸۸ تثبیت قدرت لیکود را آسان تر نمود.^{۳۹} شکست لیکود در انتخابات ماه مه ۱۹۹۹ (از ۳۴ به ۱۹ نماینده کنه ست) تا حدودی نتیجه روی گرداندن گسترده رأی دهندگان میزراهی از لیکود و روی آوردن آنان به سوی حزب اصیل تر میزراهیم، یعنی شاس بود که توانست ۱۷ کرسی کنست را (در مقایسه با ۱۰ کرسی در سال ۱۹۹۶)، به دست آورد.

هرچند تفاوت در بافت جمعیتی یهودیان در اسرائیل تنها دلیل دگردیسی سیاسی آنها نیست، اما در این زمینه نقشی روشن و به سزا ایفا می نماید. تا آغاز دهه ۱۹۹۰، جمعیت شناسان اسرائیلی با خشنودی شاهد کاهش اختلاف عمده بین نرخهای باروری میزراهیم و اشکنازی بودند.^{۴۰} طی دو دهه گذشته نرخ زاد و ولد میزراهیم دارای منشاء غیر اسرائیلی از ۴٫۶ به ۳ فرزند و در مورد به دنیا آمدگان در اسرائیل از ۲٫۸ به ۲٫۵ کاهش یافته است. در همین حال، نرخ باروری در اشکنازی چه به دنیا آمدگان بیرون (از ۲٫۹ به ۲٫۸۳) و چه در درون اسرائیل (از ۲٫۶ به ۲٫۸۸) افزایش یافته است. همگرایی مجازی نرخ باروری کسانی که در اسرائیل به دنیا آمده اند، چه میزراهیم و چه اشکنازی نشان می دهد که بوته باروری در آنها در حال ذوب و امتزاج است.

اما از آغاز دهه کنونی، مهاجرت گسترده از شوروی پیشین به کاهش نرخ باروری اشکنازی ها (که شمار آنها به هر حال نسبت به اروپا بالاتر مانده است) منتهی شد. نتیجه افزایش دوره زمانی ۹۶-۱۹۹۱ این بود که شکاف بین باروری های دو گروه بار دیگر گسترش یابد، و طی آن نرخ باروری اشکنازی ها به ۲٫۳۹ و میزراهی به ۲٫۸۹- به اندازه نیم فرزند بیشتر یا معادل ۲۱ درصد باروری مازاد رسیده است.

با این حال بالاتر بودن نرخ زاد و ولد میزراهیم حاشیه امنیتی جمعیتی آنان در

سال‌های ۸۸-۱۹۷۲ (بین ۵۰ تا ۵۱٫۶ درصد) را تا مدت زمانی نزدیک به سال ۲۰۲۵ به آنها باز نخواهد گرداند. در آن سال آنان ۴۹٫۶ درصد جمعیت را تشکیل خواهند داد.^{۴۱} در عین حال رشد مستمر سهم آنان در جمعیت و حوزه‌های انتخابیه روندهایی را به دنبال داشته که در انتخابات کنه ست در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ به شکل تقسیم حوزه‌های انتخابیه در قالب خطوط قومیتی بروز نمود.^{۴۲}

با تغییرات بافت جمعیتی سال‌های آتی که سهم فلسطینی‌ها در جمعیت را به ۲۱ درصد، میزراهیم را به ۳۹ درصد، و مهاجران تازه از شوروی پیشین را به ۱۰ تا ۱۵ درصد خواهد رساند،^{۴۵} سهم فرزندان «بنیادگذاران» اسرائیل متعلق به دوره پیش از شوروی از کشورهای چون بلغارستان، چک، آلمان، مجارستان، لهستان، رومانی، یا روسیه بیش از ۲۵ یا ۳۰ درصد جمعیت نخواهد بود. تناقض موجود در اینجا این است که حزب کارگر با ادعای تسلط انحصاری خود بر دولت و جستجوی هویت برای خود بر این پایه، اکنون از موقعیت بلند یک حزب کشوری به جایگاه نمایندگی یک اقلیت محصور، فرود آمده است. زیرا به رغم پیروزی باراک در رأی‌گیری انتخابات ماه مه ۱۹۹۹، حزب کارگر با از دست دادن کرسی‌های خود از ۳۲ به ۲۱، شکست جدی را متحمل شد.

نتیجه‌گیری

پنجاه سال پس از نخستین جنگ اعراب و اسرائیل، نزدیک به ۴ میلیون تن (۳۸۶۵۰۰۰ در سال ۱۹۹۸) فلسطینی در سرزمین خود زندگی می‌کنند. در آستانه جنگ سال ۱۹۴۸، شمار آنان ۱۳۶۰۰۰۰ نفر بود که بیشترین آنها بیرون رانده شده و یا در نتیجه پیامدهای جنگ گریختند.^{۴۶} اما با وجود کاسته شدن جمعیت آنان، تجربه دو آوارگی دستجمعی آنان در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ به طور نسبی تنها در قالب‌های جمعیتی محدود ماند. از این قرار شمار جمعیت فلسطینی باقی مانده در چارچوب مرزهای فلسطین دوره قیمومت، درواقع طی پنجاه سال با نرخ رشد سالانه (۲٫۱ درصد) و همپایه با نرخ رشد دیگر کشورهای عربی (که آنها نیز خود به عنوان نرخ رشد بسیار بالا مورد توجه هستند)، سه برابر

شده است.^{۴۷} این نتیجه بیشتر از این نظر جالب توجه است که ورای کوچ‌های دستجمعی دوره جنگ، فلسطین (اما نه فلسطینی‌های داخل اسرائیل) مهاجرت‌های داوطلبانه (به دلایل اقتصادی) را شاهد بود که طی نسلها شمار نیروی کار آنها را کاهش داد.^{۴۸}

کشمکش‌ها و عامل ملی‌گرایی با نرخ رشد بالای جمعیت همراه بوده‌اند. در رأس نمودار آماری رشد جمعیت، فلسطینی‌های غزه و پس از آنها کرانه غربی و سپس فلسطینی‌های اسرائیل قرامی‌گیرند. در بین یهودیان، نژاد میزراهیم از اشکنازی‌ها زاد و ولد بیشتری دارند. تفاوت‌ها در نرخ باروری چنان است که موازنه‌های جمعیتی موجود هم به دلیل افزایش شمار عددی فلسطینی‌های داخل و بیرون از مرزهای شناخته شده اسرائیل و هم به واسطه افزایش میزراهیم نسبت به اشکنازی، با چالش روبرو هستند.

اما رقابت‌های جمعیتی در کل اسرائیل/فلسطین دیگر به یهودی‌ها و فلسطینی‌ها، یا یهودیان میزراهی و اشکنازی مربوط نمی‌شود؛ بلکه اینک به درون خود این دسته‌های صرف نیز راه یافته و از میان آنها می‌توان شکاف مذهبی و غیرمذهبی را نیز آشکارا دید. نمایندگان کنه ست نه تنها حوزه انتخابیه خود را از نظر سیاسی نمایندگی می‌کنند بلکه نمایندگی اولویت‌های آنها در موضوع‌های خانوادگی را نیز عهده دار هستند. از این رو نمایندگان حزب‌های مذهبی یا ملی‌گرای افراطی (چون حزب‌های مفدال، مولدت، شاس، یاهادوت هاتورا) به طور میانگین ۶٫۲ فرزند دارند. تمامی دیگر نمایندگان یهودی از جمله در دوره پیش از حکومت ائتلافی باراک (از حزب‌های لیکود، ماراح، مرتضی، راه سوم، و یزرائیل با آلیا) تنها سه فرزند داشته‌اند. این تقسیم به قدری زیاد است که ممکن است شکاف سنتی میان یهودیان و فلسطینی‌ها را محو نماید. در واقع نرخ رشد باروری فلسطینی‌ها در اسرائیل (نزدیک به چهار فرزند) در سنجش با یهودیان مذهبی کاملاً معتدل به نظر می‌رسد.^{۴۹} به برکت چنین افزایش زاد و ولد افراطی، یهودیان مذهبی طی نزدیک به بیست و پنج سال سه برابر خواهند شد در حالی که دیگر حوزه‌های انتخابیه یهودیان غیرمذهبی‌تر، تنها ۴۰ درصد افزایش خواهند یافت. ساختار سیاسی که نخست شاهد برتری حزب کارگر و پس از آن حزب لیکود بوده اینک از تکان موج مذهبی برخاسته از یک انفجار جمعیت لرزان شده است.

□

جدول شماره ۱: هم‌سنجی نتایج سرشماری ۱۹۹۷ با برآوردهای اسرائیلی‌ها

ارقام خام	ارقام تعدیل شده	برآورد اسرائیلی‌ها	تخمین کاستی‌ها
۱۵۹۶۴۴۲	۱۶۳۴۷۵۷	۱۲۴۲۴۰۰	۲۸٫۵٪ - (۳۵۴۰۴۲)
۲۱۰۲۰۹	۲۱۰۲۰۹	۱۸۷۶۰۰	۱۲٫۱٪ - (۲۲۶۰۹)
۱۰۰۰۱۷۵	۱۰۲۴۱۷۹	۸۹۲۵۰۰	۱۲٫۱٪ - (۱۰۷۶۷۵)
۲۸۰۶۸۲۶	۲۸۶۹۱۴۵	۲۳۲۲۵۰۰	۲۰٫۹٪ - (۴۸۴۳۲۶)

منبع: حکومت خودگردان، سرشماری جمعیت، مسکن و بناها، ۱۹۹۷، رام‌الله ۱۹۹۸. همچنین برون‌یابی‌های قیاسی اداره مرکزی آمار اسرائیل تا پیش از دسامبر ۱۹۹۷، گزیده آماری از اسرائیل، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، بیت‌المقدس. آمارهای اسرائیل در مورد کرانه غربی سال‌های ۹۴-۱۹۹۱ را بر گرفته و در مورد غزه ۹۳-۱۹۱ و در مورد جمعیت غیریهودی بیت‌المقدس ۹۶-۱۹۹۴ را در بر می‌گیرد.

جدول شماره ۲: مهاجرت و خالص مهاجرت به اسرائیل ۹۷-۱۹۹۰

خالص مهاجرت یهودیان ^{۲۷}		مهاجرت یهودیان			
سال	جمع کل	# به هزار	درصد از کل	# به هزار	درصد از دست‌رفته
۱۹۹۰	۲۰۱٫۵	۱۹۵٫۶	۹۷٫۱	۱۸۱٫۴	۷٫۳
۱۹۹۱	۱۷۸٫۲	۱۶۸٫۱	۹۴٫۳	۱۵۱٫۳	۱۰٫۰
۱۹۹۲	۷۹٫۹	۷۱٫۹	۹۰٫۰	۴۹٫۵	۳۱٫۲
۱۹۹۳	۸۰٫۳	۷۰٫۷	۸۸٫۰	۴۳٫۳	۳۸٫۸
۱۹۹۴	۸۳٫۲	۷۸٫۱	۹۳٫۹	۵۶٫۱	۲۸٫۲
۱۹۹۵	۷۹٫۴	۷۵٫۴	۹۵٫۰	۵۹٫۱	۲۱٫۶
۱۹۹۶	۷۵٫۰	۵۶٫۴	۷۵٫۲	۳۴٫۷	۳۸٫۵
۱۹۹۷	۶۵٫۶				
مجموع	۸۴۳٫۱	۷۱۶٫۲	۸۴٫۹	۵۷۵٫۴	۱۹٫۷

منبع: اداره مرکزی آمار اسرائیل، گزیده آماری اسرائیل، ۱۹۹۷.

جدول شماره ۳: پیش بینی های جمعیتی در اسرائیل و فلسطین ۲۰۲۵-۱۹۹۸ (به هزار)

گمانه شماره ۱: کاهش نرخ زاد و ولد در اسرائیل و فلسطین							
۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	
۵۷۰۵	۵۸۸۴	۶۲۸۴	۶۶۹۸	۷۱۰۸	۷۵۰۶	۷۸۶۹	اسرائیل
۴۷۶۰	۴۸۸۷	۵۱۵۰	۵۴۳۱	۵۷۰۹	۵۹۷۶	۶۲۱۰	یهودیان
۹۴۵	۹۹۷	۱۱۳۴	۱۲۶۷	۱۳۹۹	۱۵۳۰	۱۶۵۹	فلسطینی های دارای ملیت اسرائیلی
۱۶٫۶	۱۶٫۹	۱۸٫۰	۱۸٫۹	۱۹٫۷	۲۰٫۴	۲۱٫۱	فلسطینی ها (%)
۲۹۲۰	۳۱۵۳	۳۶۷۸	۴۲۳۹	۴۸۳۳	۵۴۵۰	۶۰۷۲	فلسطین
۸۶۲۵	۹۰۳۷	۹۹۶۲	۱۰۹۳۷	۱۱۹۴۱	۱۲۹۵۶	۱۳۹۴۱	مجموع
۴۴٫۸	۴۵٫۹	۴۸٫۳	۵۰٫۳	۵۲٫۲	۵۳٫۹	۵۵٫۵	فلسطینی ها در اسرائیل و فلسطین (%)
گمانه شماره ۲: ثبات در نرخ باروری در اسرائیل و کاهش تدریجی زاد و ولد در فلسطین							
۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	
۵۷۰۵	۵۸۹۹	۶۳۴۲	۶۸۳۴	۷۳۵۶	۷۹۱۱	۸۴۸۸	اسرائیل
۴۷۶۰	۴۸۹۴	۵۱۷۷	۵۴۹۵	۵۸۲۴	۶۱۶۰	۶۴۸۶	یهودیان
۹۴۵	۱۰۰۵	۱۱۶۵	۱۳۳۹	۱۵۳۲	۱۷۵۱	۲۰۰۲	فلسطینی های دارای ملیت اسرائیلی
۱۶٫۶	۱۷٫۰	۱۸٫۴	۱۹٫۶	۲۰٫۸	۲۲٫۱	۲۳٫۶	فلسطینی ها (%)
۲۹۲۰	۳۱۶۹	۳۷۴۷	۴۴۰۳	۵۱۴۷	۵۹۷۸	۶۸۹۲	فلسطین
۸۶۲۵	۹۰۶۸	۱۰۰۸۹	۱۱۲۳۷	۱۲۵۰۳	۱۳۸۸۹	۱۵۳۸۰	مجموع
۴۴٫۸	۴۶٫۰	۴۸٫۷	۵۱٫۱	۵۳٫۴	۵۵٫۶	۵۷٫۸	فلسطینی ها در اسرائیل و فلسطین (%)

منابع: در مورد اسرائیل در گمانه شماره ۱ مراجعه شود به:

Youssef Courbage. *Nouveaux Horizons Demographiques en Mediterranee* (Paris: INED 1999).

و در مورد گمانه شماره ۲،

- United Nations. *World Population Prospects as Assessed in 1998*.

در مورد فلسطین،

Youssef Courbage. *Nouveaux Horizons*

جدول شماره ۴: جمعیت کنونی و مورد پیش بینی فلسطینی ها در چارچوب مرزهای پیش از ۱۹۶۷
اسرائیل (برخی بخش ها)

منطقه	شمار افراد در ۱،۱،۱۹۹۷ (به هزار)	درصد کل به جمعیت	
		۱۹۹۷	۲۰۲۵
بخش های شمالی	۷۱۵،۴	۳۶،۰	۴۶،۱
ACre	۲۶۷،۸	۶۳،۳	۷۳،۰
Nazareth	۱۷۹،۳	۵۱،۳	۶۱،۹
Hadera	۱۱۴،۷	۴۴،۳	۵۷،۷
Sharon	۶۲،۵	۲۲،۰	۲۹،۵
Haifa	۵۸،۴	۱۱،۷	۱۵،۸
Tiberias	۲۳،۶	۲۷،۳	۳۶،۳
Safad	۹،۱	۱۰،۶	۱۶،۹
Ramla	۲۳،۱	۱۳،۵	۲۳،۲
Bersheeba	۱۰۷،۳	۲۴،۰	۳۸،۶
منطقه های دیگر ^{۳۷}	۷۲،۰	۱،۷	۳،۲
مجموع	۹۱۷،۸	۱۶،۱	۲۲،۲

منابع: در مورد سال ۱۹۹۷، اداره مرکزی آمار اسرائیل، گزیده آماری اسرائیل، ۱۹۹۷. بیت المقدس،
۱۹۹۷. در مورد سال ۲۰۲۵ و ۲۰۴۸،

- Youssef Courbage, "Les Arabes Israéliens et La Paix au Proche-Orient."

و در:

- Loius Blin and Philippe Farques, eds, *L'economie de la Paix au Proche- Orient*, Paris: Maisonneuve et Larose, 1995.

داده های یاد شده بر پایه اثر:

- Youssef Courbage, *Scenario Demografici Mediterranet: La Fine Dellesplozione*, Turin: Edizione Fondazione Giovanni Agnelli, 1995.

جدول شماره ۵: توزیع جمعیت یهودی در اسرائیل از نظر خاستگاه جغرافیایی، ۱۹۶۱-۹۶ (به هزار)

۱۹۹۶	۱۹۸۸	۱۹۸۳	۱۹۷۲	۱۹۶۱	خاستگاه جغرافیایی
۲۱۷۱	۱۸۸۹	۱۷۰۱	۱۳۴۷	۸۴۱	آسیایی/آفریقایی (میزراهیم)
۲۴۲۲	۱۷۷۰	۱۶۷۰	۱۳۴۰	۱۰۹۱	اروپایی/آمریکایی (اشکنازی)
۴۵۹۳	۳۶۵۹	۳۳۷۱	۲۶۸۷	۱۹۳۲	مجموع
۴۷,۳	۵۱,۶	۵۰,۵	۵۰,۱	۴۳,۵	درصد میزراهیم

منبع: برای سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۸.

جدول شماره ۶: تفاوت در نرخ های باروری بین یهودیان اسرائیل از نظر خاستگاه جغرافیایی، ۱۹۶۳-۹۶

به دنیا آمده در خارج				به دنیا آمده در اسرائیل			
سال	آفریقا	آسیا	اروپا/آمریکا	مازاد باروری میزراهی	آفریقا	آسیا	اروپا/آمریکا
۱۹۶۳		۴,۶۱	۲,۳۹	۹۲,۹		۲,۷۵	۲,۶۰
۱۹۶۵		۴,۵۸	۲,۶۰	۷۶,۲		۲,۸۶	۲,۶۰
۱۹۶۷		۴,۱۷	۲,۴۴	۷۰,۹		۲,۶۰	۲,۴۱
۱۹۷۰		۴,۰۷	۲,۸۴	۴۳,۳		۳,۱۴	۲,۹۵
۱۹۷۳		۳,۷۸	۲,۷۴	۳۸,۰		۳,۰۵	۲,۸۰
۱۹۷۵		۳,۷۷	۲,۸۲	۳۳,۷		۲,۹۵	۲,۸۶
۱۹۷۸	۳,۱۸	۳,۰۳	۲,۷۳	۱۳,۱	۲,۷۳	۲,۷۴	۲,۶۸
۱۹۸۰	۳,۱۴	۲,۸۶	۲,۷۶	۹,۴	۲,۹۰	۲,۶۸	۲,۶۸
۱۹۸۱	۳,۱۰	۲,۸۲	۲,۶۱	۱۴,۲	۲,۹۸	۲,۶۸	۲,۶۶
۱۹۸۲	۳,۱۸	۲,۸۸	۲,۸۱	۸,۶	۲,۹۵	۲,۸۱	۲,۶۶
۱۹۸۳	۳,۳۳	۳,۰۲	۲,۸۲	۱۳,۰	۳,۲۱	۲,۸۹	۲,۸۴
۱۹۸۴	۳,۳۳	۲,۹۸	۲,۷۶	۱۵,۲	۲,۹۹	۲,۷۹	۲,۸۱
۱۹۸۵	۳,۴۳	۲,۸۲	۲,۷۹	۱۳,۵	۳,۰۴	۲,۸۰	۲,۸۸
۱۹۸۶	۳,۵۲	۲,۹۱	۲,۶۵	۲۲,۹	۳,۰۱	۲,۸۴	۲,۸۵
۱۹۸۷	۳,۲۷	۲,۸۹	۲,۶۹	۱۵,۵	۲,۹۴	۲,۸۰	۲,۷۵
۱۹۸۸	۳,۲۵	۲,۸۱	۲,۶۳	۱۵,۳	۲,۹۲	۲,۷۶	۲,۷۸
۱۹۸۹	۳,۱۰	۲,۸۴	۲,۵۴	۱۷,۶	۲,۹۵	۲,۵۵	۲,۶۷
۱۹۹۰	۳,۱۸	۲,۹۲	۲,۳۱	۳۲,۸	۲,۹۳	۲,۶۹	۲,۷۳
۱۹۹۱	۳,۴۲	۲,۸۶	۲,۰۵	۵۵,۱	۲,۸۷	۲,۶۵	۲,۶۱
۱۹۹۲	۳,۷۹	۲,۸۹	۲,۰۷	۶۴,۴	۲,۹۲	۲,۶۶	۲,۷۲
۱۹۹۳	۳,۵۹	۲,۹۸	۲,۱۳	۵۶,۲	۲,۹۳	۲,۶۰	۲,۶۹
۱۹۹۴	۳,۳۷	۲,۹۷	۲,۱۸	۴۶,۷	۲,۸۵	۲,۵۹	۲,۶۷
۱۹۹۵	۳,۳۴	۳,۰۱	۲,۲۰	۴۵,۴	۲,۷۵	۲,۵۲	۲,۶۳
۱۹۹۶	۳,۲۴	۳,۰۹	۲,۰۹	۵۱,۹	۲,۷۹	۲,۵۸	۲,۶۷

منبع: اداره مرکزی آمار اسرائیل، گزیده آماری اسرائیل، ۱۹۹۷، بیت المقدس ۱۹۹۷.

جدول شماره ۷: درصد رأی بر پایه احزاب «ملی» و «قومی» در انتخابات کنه ست در سال های ۱۹۹۲، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹

احزاب	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۱۹۹۹
حزب های «ملی» با ویژگی های نهفته قومی:	۷۵٫۶	۶۰٫۸	۴۱٫۹
کارگر	۳۴٫۷	۲۷٫۵	۲۰٫۲
لیکود	۳۱٫۳	۲۵٫۸	۱۴٫۱
مرتضی	۹٫۶	۷٫۵	۷٫۶
حزب های قومی/ مذهبی آشکار:	۱۷٫۲	۳۳٫۳	۳۶٫۵
شاس	۴٫۹	۸٫۷	۱۳٫۰
مفدال	۵٫۰	۸٫۱	۴٫۲
یا هادوت هاتورا	۳٫۳	۳٫۳	۳٫۷
حزب های روسی	۰٫۰	۵٫۸	۷٫۷
حزب های عرب	۴٫۰	۷٫۴	۷٫۹
دیگران ^{۴۴}	۷٫۲	۵٫۹	۲۱٫۶

منبع: سایت کنست در اینترنت

مأخذ:

۱- این رقم نرخ رشد سالانه‌ای برابر با ۴۰ در هزار را بین تاریخ برگزاری سرشماری در دسامبر سال ۱۹۹۷ تا ۱۵ مه ۱۹۹۸ به حساب می‌آورد.
XXVIII، تابستان ۱۹۹۹، صفحات ۲۹-۲۱.

پاوقی‌ها:

۱- این رقم نرخ رشد سالانه‌ای برابر با ۴۰ در هزار را بین تاریخ برگزاری سرشماری در دسامبر سال ۱۹۹۷ تا ۱۵ مه ۱۹۹۸ به حساب می‌آورد.

۲- این جمعیت‌ها در کنار هم قرار دارند اما درهم نیامیخته‌اند. تنها موردهای استثنا شهرهای آمیخته شده‌اکره، حيفا، لیدا، ورام‌اله هستند. مراجعه شود به:

- Ghazi Falah, "Ethnic Perceptual Differences of Housing and Neighbourhood Quality in Mixed Arab-Jewish Cities in Israel," *Environment and Planning* 29, September 1997, pp. 1663-74.

3. Shimon Peres, *Ecrire L'histoire a l'encore Verte, Le Monde diplomatique*, May 1998.

۴- همانجا

۵- شاید بروز مشکل به دلیل این بوده که صرفاً انتشار چنین آمارهایی مدنظر بوده است تا وجود واقعی آنها.

۶- مراجعه شود به:

- Dov Friedlander and Calvin Goldsheilder, *The Population of Israel*, New York: Columbia University Press, 1979, Roberto Bachi, *However in the Population of Israel*, Paris: CICRED, 1974, includes forecasts to twenty years.

۷- مراجعه شود به:

- Israeli Central Bureau of Statistics, *Projections of Population in Israel up to 2010, Based on the Population in 1985*, Jerusalem, 1988.

۸- مراجعه شود به:

- Israeli Central Bureau of Statistics, *Projections of Population in judea, Samaria and Gaza Area up to 2002, Based on the Population in 1982, Special Series No. 802*, Jerusalem, 1987.

۹- مراجعه شود به:

- Israeli Central Bureau of Statistics, *Projections of Population in Israel up to 2003, Based on the Population in 1993, Monthly Bulletin of Statistics, Supplement No. 1*, Jerusalem, January 1995.

۱۰- بخش بررسی‌های جمعیتی سازمان ملل پیش‌بینی‌های جمعیتی مربوط به نوار غزه را منتشر می‌کند. پیش‌بینی‌های مربوط به کرانه غربی تا به امروز همراه با آمارهای مربوط به اردن (پیش از مرزهای ۱۹۶۷) آورده شده است. شرق بیت المقدس و جولان به صورت نهفته در شمار جمعیت اسرائیل آورده می‌شود. مراجعه شود به:

- United Nations, *World Population Prospects in 1996*, New York, 1997.

- ۱۱- شکاف کنونی هم اکنون ۴٫۲ در برابر ۲٫۶ یا ۶۲ درصد است.
- ۱۲- بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵، تولید ناخالص داخلی (GDP) اسرائیل هفت برابر شد و درآمد ملی سرانه به ۱۶۶۹۰ دلار در سال ۱۹۹۶ رسید، که در دهه جهانی جایگاه آن را به ۲۱ رساند. در آوریل ۱۹۹۷ با توجه به نرخ رشد بالا و استثنایی، اسرائیل در کنار کشورهای هنگ کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان به وسیله صندوق بین المللی پول در فهرست کشورهای توسعه یافته قرار گرفت. مراجعه شود به:
- Shafir and Yoav Peled, *Citizenship and stratification in an Ethnic Democracy, Ethnic and Racial Studies* 21, No. 3, May 1998, pp. 408-27.
- ۱۳- مراجعه شود به:
- Calvin Goldsheilder, *Israel's Changing Society: Population, Ethnicity and Development*, Boulder: Westview Press, 1996.
- ۱۴- بنسب بر Citizenship and Satisfacion و Shafir and Peled زنان یهودی به ویژه زنان میزراهی در اساس به عنوان زنان بارور تلقی می شدند که با هدف افزایش شمار کمی و اکثریت دادن به یهودیان با وضعیت شهروندی نازل تری فراخوانده می شدند. همچنین مراجعه شود به:
- Calvin Goldsheilder and Dov Friedlander. *Reproductive Norm in Israel. Population Studies and Training Center*, Brown University, Population Studies and Training Center, PSTC Reprint Series, No. 87-02, 1986.
- Goldsheilder و Friedlander هوادار خط مشی تبعیضی جمعیتی: کاهش زاد و ولد در جایی که بالاترین نرخ را داراست، یعنی زنان مسلمان در منطقه های روستایی، و نه در مورد یهودیان که اشکنازی، هستند.
- ۱۵- مراجعه شود به:
- Jon Anson and Avinoam Meir, "Religiosity, Nationalism, and Fertility in Israel," *European Journal of Population*, No. 12, 1996, pp. 1-25.
- ۱۶- در واقع از نظر نرخ صرف زاد و ولد حتی افزایشی برابر با ۳۴٫۴ در هر هزار در سال ۱۹۹۶ در سنجش با ۳۱٫۸ در هزار در سال ۱۹۸۶ وجود داشته است. مراجعه شود به:
- Israeli Central Bureau of Statistics, *Monthly Bulletin of Statistics* Jerusalem, Januray 1998.
- ۱۷- مراجعه شود به:
- Rhoda Kanaaneh, *Negotiating Babies and Boudaries: The Dynamics of Population Nationalism and Gender among Palestinians in the Galilee*, International Union for the Scientific Study of Population, Arab Regional Population Conference, Cairo, 1996.
- ۱۸- این رقم با به کارگیری نرخ در نظر گرفته شده John Boongaart در فهرست نرخ کل باروری درخواستی در اثر وی با عنوان زیر به دست آمده است:
- The Measurement of Wanted Fertility Rate, *Population and Development Review* 16, No. 3, September 1990, pp. 487-506; Data from the Palestinian Central Bureau of Statistics, *The demographic Survey in the West Bank and the Gaza Strip*, Ramallah, 1996.

- ۱۹- در متن انگلیسی این رقم ۸/۱۰ آورده شده که به نظر می‌رسد در نتیجه اشتباه چاپی بوده است. م.
- ۲۰- بخش بررسی‌های جمعیتی سازمان ملل به نحو غربی در ناسازگاری با برآوردهای اسرائیلی‌ها، بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ سالانه ۵۰ هزار تن مهاجر، و بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، ۳۰ هزار مهاجر، و ۲۰ هزار مهاجر نیز بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ در نظر می‌گیرد؛ ۱۰ هزار نفر از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، ۵ هزار نفر از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، و پس از آن به صفر می‌رسد.
- ۲۱- در سال ۱۹۹۴ بخش بررسی‌های جمعیتی سازمان ملل در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۵، مهاجرت انبوهی را از غزه پیش‌بینی نمود (در مورد کرانه غربی که هنوز بخشی از اردن تلقی می‌شود، رقمی ارائه نشد). در همین سال در پرتو خوش‌بینی‌های ناشی از موافقتنامه ۱۹۹۳ اسلو، فلسطینی‌ها بازگشت انبوهی از مهاجران را به سرزمین خود پیش‌بینی می‌نمودند تا سال ۱۹۹۶ پیش‌بینی‌های بخش بررسی جمعیتی سازمان ملل تغییر ناشی از مهاجرت را صفر در نظر گرفته بودند.
- ۲۳- مراجعه شود به منبع مؤلف اسرائیلی:
- Claude Klein, *La Democratie D'Israel*, Paris: Seuil, 1997, in an interview With Reuters, 26 April 1998.
- ۲۴- مراجعه شود به:
Israel Central Bureau of Statistics, *Monthly Bulletin of Statistics*, January 1998.
- ۲۵- بنابر قانون بازگشت سال ۱۹۵۰ اسرائیل، هر یهودی بنابر تعریف محض کلمه می‌تواند به اسرائیل مهاجرت کند. این قانون در سال ۱۹۷۰ به نحوی اصلاح گردید که هر فرد دارای پدر یا مادر بزرگ یهودی بتواند با همسر خود در اسرائیل ساکن شود، و به این ترتیب امکان مهاجرت یهودیان شوروی پس از جنگ را فراهم سازد؛ از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹، ۱۹۲ هزار تن از شوروی به اسرائیل مهاجرت نمودند. برآوردها حاکی از آن است که ۲۰ درصد مهاجران آغاز دهه ۱۹۹۰ و ۶۰ درصد در میانه دهه ۱۹۹۰ با تعریف سنتی از یهودیت همخوانی ندارند.
- ۲۶- Alain Dieckhoff در منبع زیر نزدیک به ۳۰۰ هزار یهودی دروغین را گزارش نموده است:
Israel: *Dualite Politique et Pluralisme Communautaire*, Maghreb-Machrek, No. 159, Januray-March 1998, pp. 39-47.
- ۲۷- خالص مهاجرت یهودیان شمار یهودیانی است که در پایان یک سال در اسرائیل باقی مانده‌اند. بخش «از دست رفته» درصدی از مهاجران یهودی است که در بین سال اسرائیل را ترک گفته‌اند.
- ۲۸- بیشترین این ترک‌کردنها ۵۰ تا ۶۰ درصد کل مهاجرت‌ها به ایالات متحده می‌روند. مراجعه شود به:
- Yinon Cohen and Andrea Tyree, "Palestinian and Jewish Israeli-Born Immigrants in the United States," *International Migration Review*, 2, Summer, 1994. pp. 243-55.
- ۲۹- مراجعه شود به:
- William Berthomiere, "De L'Aliya A L'mmigration, ou la Lecture d'un Continuum Migratoire Israelien," *Revue Europeene des Migrations Internationales* 12, No. 3, 1996, pp. 1-203.
- ۳۰- اداره مرکزی آمار فلسطینی‌ها در رام‌اله در پیش‌بینی خود برای سال ۲۰۲۵ حتی جمعیت بیشتری را برای فلسطینی‌ها در نظر گرفته است: ۷,۴ میلیون نفر (بنابر آسوشیتدپرس، ۳۰ نوامبر ۱۹۹۸)، در حالی که بنابر گمانه دوم ما

- برپایه رشد بالای جمعیت، شمار فلسطینی‌ها ۶/۹ در نظر گرفته شده است. تفاوت اساسی بین این دو برآورد برخاسته از پیش‌بینی اداره آمار در مورد مهاجرت ۵۰۰ هزار فلسطینی از خارج است که در گمانه‌ما مهاجرت صفر در نظر گرفته شده و تنها افزایش طبیعی جمعیت (زاد و ولد منهای مرگ و میر) مورد محاسبه بوده است.
- ۳۱- حتی Azmi Bishara که خود ظاهراً از هواخواهان راه حل دولیتی می‌باشد، در مقاله ۲۵ آوریل ۱۹۹۸ خود در *Le Monde* با عنوان: *La Discrimination Contre Les Arabes est Inherente au Sionisme* می‌گوید: «ما هیچگاه یک ملت واحد نخواهیم شد زیرا دارای دو خاطره، دو فرهنگ و دو گونه آگاهی تاریخی گوناگون هستیم.»
- ۳۲- مراجعه شود به *La discrimination* و Bishara همچنین مراجعه شود به:
- Asad Ghavam, "The Case of Ethnic State and the Predicament of Its Minority," *Ethnic and Racial Studies* 21, No. 3, May 1998, pp. 428-48. and Nadim Rouhana, *Palestinian Citizens in an Ethnic Jewish State: Identities in Conflict*, New Haven: Yale University Press, 1997.
- ۳۳- زمانی که کنه ست در ماه مه ۱۹۹۹ منحل شد، دوازده نماینده فلسطینی بودند، یک فلسطینی جایگزین یک نماینده عضو حزب کارگر شد که کناره‌گیری کرده بود. بنابر قانون اسرائیل هرگاه نماینده‌ای از کار کناره‌گیری نموده یا برکنار شود، جای او خود به خود به نفر بعد از او در فهرست آرا اخذ شده، داده می‌شود.
- ۳۴- به دلیل نسبت بالای جمعیت زیر هجده سال و فاقد شرایط رأی دادن، فلسطینی‌های اسرائیل تنها اندکی بیش از ۱۲ درصد جمعیت واجد شرایط رأی دادن را در برابر ۱۷ درصد کل جمعیت، در اختیار داشتند. از این رو و برپایه ۱۲ درصد انتخاب‌شانزده نماینده برای آنها امکان‌پذیر بود.
- ۳۵- در مورد امتیاز و برتری فلسطینی‌ها در بخش‌های محلی تل‌آویو و یافا مراجعه شود به:
- Gila Menahem, "Arab Citizens in an Israeli City: Action and Discourse in Public Programmes," *Ethnic and Racial Studies* 21, No. 3, May 1998, pp. 545-57.
- ۳۶- کاملاً به تازگی و درست در پایان سال ۱۹۹۸ رئیس دولت اسرائیل عرب‌های اسرائیلی را به «یک تراژدی تازه همانند سال ۱۹۴۸» تهدید نمود. مراجعه شود به:
- Michael Warchawski, "Les Palestiniens d Israel," *Temoignage Chretien*, special issue, second quarter, 1990.
- حتی موافقتنامه ۱۹۹۳ اسلو در بین برخی فلسطینی‌ها نگرانی‌هایی را نسبت به اسرائیل برانگیخت، زیرا بهای تشکیل دولت فلسطینی در کرانه غربی و نواره غزه را بیرون رانده شدن از اسرائیل می‌دانستند. بایستی یادآور شد که تندروترین هواداران این انتقال، کسانی چون پیروان خاخام کاهانه از حزب کاخ، یا حزب مولدت می‌باشند که خواستار راندن فلسطینی‌ها هم از سرزمین‌های اشغالی و هم از اسرائیل هستند.
- ۳۷- این منطقه‌ها غرب بیت المقدس، Tiquq، تل‌آویو Petah Rehovot، اشکلون را در بر می‌گیرد.
- ۳۸- مراجعه شود به:
- U. O. Schmelz, S. Dellapergola, and U. Avner, "Ethnic Differences among Israeli Jews: A New Look," *Jewish Population Studies*, No. 22, Jerusalem: Institute of Contemporary Jewry, Hebrew University, 1991.

یک بررسی آماری گسترده با بهره‌گیری از نتایج انتخابات سال‌های ۱۹۵۵، ۱۹۶۵، ۱۹۷۷ و ۱۹۹۸ نشانگر گرایش حوزه‌های انتخابیه میزراهی به سوی لیکود (با ۵۷ درصد) و اشکنازی به حزب کارگر (با ۶۵ درصد) در انتخابات سال ۱۹۹۸ بوده است.

۳۹- حتی در درون حزب لیکود که می‌بایست دربرگیرنده میزراهیم‌ها باشد، برتری سیاسی اشکنازی‌ها روشن و آشکار است: کمتر از یک سوم نمایندگان انتخاب شده سال ۱۹۹۶ لیکود در کنه ست از ریشه میزراهی بودند.

۴۰- مراجعه شود به:

- Barbara S. Okun, "Innovation and Adaptation in Fertility Transition: Jewish Immigration to Israel from Muslim North Africa and the Middle East," *Population Studies* 5, No. 3, 1997, pp. 317-36.

آنها در این کار خود دریافته‌اند که شمار میانگین تولد در بین مهاجران میزراهی طی سی سال حتی در نبود یک برنامه رسمی تنظیم خانواده، ۳۳ درصد کاهش داشته است. خدمت نظامی یکی از راه‌های فراگیری زندگی اشتراکی به تازه‌واردان و آسان ساختن یادگیری شیوه‌های نوین تر باروری در بین آنها بوده است.

- O. Schmelz, S. Dellapergola, and U. Avner, "Ethnic Differences among Israel Jews: A New look," *Jewish Population Studies* No. 22, Jerusalem: Institute of Contemporary Jewry, Hebrew University, 1991.

برای سال ۱۹۹۶، برآورد مولف بر پایه اداره مرکزی آمار اسرائیل، گزیده آماری اسرائیل، ۱۹۹۷. بیت المقدس، ۱۹۹۷ و برون‌یابی‌های قیاسی از درصد‌های یهودیان زاده شده در اسرائیل از پدران به دنیا آمده در اسرائیل تهیه شده توسط Schmelz et Al. این درصد‌ها برای میزراهیم به ترتیب زیر هستند: ۱۹۶۱، ۳۳ درصد؛ ۱۹۷۲، ۳۳ درصد؛ ۱۹۸۳، ۴۰ درصد؛ ۱۹۸۸، ۴۴ درصد.

۴۱- در گمانه‌های خودم، استمرار مهاجرت از شوروی پیشین-ولو در شمار بسیار پایین-و همچنین این عامل را که اندازه مازاد باروری میزراهیم طی گذشت زمان فروکش خواهد نمود و زنان میزراهی به دنیا آمده در اسرائیل که زاد و ولدشان کمتر است جایگزین به دنیا آمدگان در خارج می‌شوند را به حساب نیاورده‌ام.

۴۲- حتی حزب‌های بدون جهت‌گیری رسمی قومی در عمل به طور روز افزون گرایش داشته‌اند که نماینده غیررسمی بخش‌های ویژه‌ای از مردم باشند، و این موضوع در مورد حزب‌های مابام و مایال در چند انتخابات پیاپی مصداق داشته است.

۴۳- مازاد باروری درصدی است که نرخ باروری میزراهی از اشکنازی بیشتر است.

۴۴- در سال ۱۹۹۹، شینوئی (۵ درصد)، مرکز (۵ درصد)، وحدت ملی (۳ درصد)، و کشور واحد (۱/۹ درصد) تنها حزب‌هایی بودند که نمایندگان را در کنه ست داشتند.

۴۵- بی‌تردید از دید فنی، یهودیان شوروی پیشین اشکنازی هستند اما دلبستگی مرامی آنها هم از نظر سیاسی و هم انتخاباتی ایشان را به گونه یک گروه مجزای قومی جلوه گر می‌سازد. مراجعه شود به:

Maid al-Haj, "Attitudes et Manieres de se Situer des Immigrants Sovietiques: L'Emergence d'un Nouveau Group Ethnique en Israel," *Revue Europeene des Migrations Internationales* 12, No. 3, 1996, pp. 139-22.

۴۶- کوچ دستجمعی فلسطینی‌ها در سال ۱۹۴۸ دست کم ۷۲۵ هزار تن را دربر می‌گرفت که از میان آنها ۲۸۰ هزار در

کرانه غربی پناهنده شده و ۱۹۰ هزار به غزه پناه بردند. به دیگر سخن در حالی که نیمی از جمعیت آنها خانه های خود را ترک گفتند، نزدیک به دو سوم شان در مرزهای فلسطین دوره قیمومت باقی ماندند و نزدیک به ۲۵۵ هزار تن دیگر از مرزهای کشور خود بیرون رفتند. در سال ۱۹۶۷، کوچ دستجمعی دیگری با همین وسعت رخ داد که در آن نزدیک به ۲۵۰ هزار تن سرزمین فلسطین را ترک گفتند. مراجعه شود به:

- Philippe Fargues, *Demographie de Guerre, Demographie de Paix.*, in Ghassan Salame, ed., *Proche Orient: Les Exigences de La Paix*, Brussels: Complexe, 1994.

۴۷- افزون بر کشورهای تولید کننده نفت و اردن، رشد سالانه جمعیت طی پنجاه سال گذشته به این ترتیب بوده است: سوریه ۳٫۱ درصد، لبنان ۱٫۷ درصد، یمن ۲٫۹ درصد، عراق ۳٫۰ درصد، مصر ۲٫۳ درصد، تونس ۲٫۱ درصد، الجزایر ۲٫۶ درصد و مراکش ۲٫۴ درصد. محاسبه های یادشده بر پایه آمارهای سازمان ملل در منبع زیر آورده شده است:

- World Population Prospects: The 1996 Revision, New York: Author, 1997.

۴۸- در برخی زمان ها، تا ۴۰ درصد، در بین گروه های سنی ۱۵ تا ۲۵ سال در سال ۱۹۶۷. مراجعه شود به:

Youssef Courbage, "The Population of Palestine," *Population* No. 1, 1994, pp. 24-210.

۴۹- مراجعه شود به:

- Youssef Courbage, "Fecondite et Politique en Israel: Les Deputes Israeliens de la Kenesset de 1996," *Revue d Etudes Palestiniennes*.